

دین، اخلاق و محیط زیست

سید عبدالحسین نبوی^{*۱}

s. abdolhoseinnabavi@yahoo.com

مرضیه شهریاری^۲

چکیده

امروزه، وخامت بحران‌های محیط‌زیستی تا حدی است که حیات انسان و سایر موجودات بر کره خاکی را به مخاطره انداخته است. از این رو تبیین اخلاق محیط‌زیستی براساس مفهوم خداباوری می‌تواند رهیافت فراگیرتری نسبت به، تعامل انسان با محیط‌زیست طبیعی فراهم آورد. در قرآن آیات زیادی (آیه ۱۸۵ سوره اعراف، آیه ۱۰۱ انعام، آیه ۵۴ سوره اعراف، آیه ۴ سوره سجده و آیه ۴۵ سوره نور) وجود دارد که در آن‌ها خداوند تنها خالق هستی معرفی شده است. به این ترتیب، مفهوم یگانگی انسان و طبیعت، که برای حفاظت محیط‌زیست ضروری دانسته می‌شود، در چارچوبی جامع‌تر ترسیم می‌گردد. داده‌های پژوهش با استفاده از روش تحقیق پیمایش و تکنیک پرسشنامه، از نمونه‌ای با حجم ۴۰۰ نفر، از شهروندان شهر اهواز با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و تصادفی انجام گرفته است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آمار توصیفی و تحلیل‌های آماری نظیر ضریب همبستگی پیرسون، ارتباط بین متغیرها بررسی می‌گردد. در این پژوهش نتایج حاصله نشان داد که؛ رابطه مستقیم و معناداری بین متغیرهای احساس مسئولیت، اخلاق محیط‌زیستی و احیای ارزش‌های دینی و متغیر حفظ محیط‌زیست وجود دارد. بررسی تطبیقی مبانی اسلام و جهان غرب در اخلاق محیط‌زیست نشانگر آن است که اسلام به دلیل گونه‌نگرش به جهان هستی، از مبانی و اصول مستحکم‌تری برای هدایت فکری عامل انسانی برخوردار است.

کلمات کلیدی: دین، اخلاق، محیط‌زیست، خودبوم‌شناسی، رویکرد انسان محور و طبیعت محور

۱- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز^۳ (مسئول مکاتبات)

۲- استاد دانشگاه شهید چمران اهواز

مقدمه

کارگزاران توسعه در کشورهای در حال توسعه مدتی است احساس کرده‌اند که بسیاری از ارزش‌ها و عقاید حاکم و رایج در الگوهای کنونی توسعه، نمی‌تواند باعث ارتقای توسعه پایدار براساس محیط‌زیست گردد. از آنجا که انسان فاعل علمی است و به دیگر سخن تصمیمات و عملکردش بر اساس بینش و نگرش او شکل می‌یابد رویکرد نوین مغرب زمین به طرح مباحث اخلاق محیط‌زیستی بدان روست که نگرش‌های مادی و اومانستی و لیبرالیستی که محور همه امور را انسان می‌داند، در مدیریت، حفظ و ارتقای منابع محیط‌زیستی فرومانده است. مشکلات گسترده و روزافزون محیط‌زیست، ساماندهی محیط‌زیست را با چالش‌های بسیاری مواجه ساخته است. در این میان گام اول، همانا تغییری است که در درک ما از محیط‌طبیعی و نقش و مسوولیت ما نسبت به آن پدید آمده است. گام دوم این عرصه، زمانی برداشته می‌شود که ارزش‌های اخلاقی مربوط به محیط‌زیست، فراگیر و جهانی شود و از سوی همه جوامع و مکاتب پذیرفته و رعایت شوند و گرنه پیامدهای اعمال ضداخلاقی در مورد محیط‌زیست دامان همه انسان‌ها و جوامع را خواهد گرفت و پیامدهای خطرناک خود را متوجه همه انسان‌ها بلکه همه موجودات زنده خواهد ساخت. در پژوهشی با عنوان «تغییرات پوشش زمین و سازمان اجتماعی در آمازون برزیل» توسط سی دن ستریکرتو و جان ماریون در دانشگاه برزیل با درجه دکتری سال ۲۰۰۴ انجام شده است. موضوع اصلی آن پیرامون جامعه جامعه شناسی، ساختار جامعه و توسعه علوم محیط‌زیستی بوده است. این تحقیق در رابطه با تغییرات پوشش زمین در سه منطقه و ارتباط سازمان اجتماعی و مدیریت سازماندهی با آن، صورت گرفته است. عواملی مانند پیشینه فرهنگی و مهارت‌های مدیریتی در توضیح ارتباط محیط با مردم، مؤثر است (۱). صالحی (۱۳۸۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که، محیط‌های سنی مختلف، رفتارهای محیط‌زیستی متفاوتی را نشان می‌دهند. بدین معنی که افراد نسل قدیم در مقایسه با نسل جدید از

رفتارهای محیط‌زیستی بیشتری حمایت می‌کنند. از نقطه نظر آموزش و تحصیلات، ایران هیچ سرفصل آموزشی به نام آموزش رفتارهای محیط‌زیستی در آموزش خود از دبستان گرفته تا دانشگاه ندارد، لذا عاقلانه نیست اگر انتظار رفتارهای محیط‌زیستی متفاوتی از افراد تحصیل کرده داشته باشیم (۲). «ارزشیابی آموزش محیط‌زیستی در نظام آموزش عالی کشور» تحقیقی است که توسط فرصت انجام گرفته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داده است که خلاء آگاهی‌های محیط‌زیستی کاملاً محسوس و دارای چالش‌های قابل ملاحظه بوده است (۳).

بدون شک بحران‌های محیط‌زیستی معاصر، زاینده اندیشه‌های مادی‌نگر، توسعه‌طلب، سلطه‌جو و در یک کلام معلول کژاندیشی فکری و جهالت عملی انسان در جهان است؛ آشفتگی و بی‌نظمی زندگی و جامعه و بحران‌های محیط‌زیستی حکایتی روشن از آشفتگی درون انسان‌هاست و بدین سان صلح و صفا و طراوت محیط زیست زندگی نیز تنها در صورت تحقق آن‌ها در درون آدمیان امکان پذیر است (۴). مردم جامعه ما مقید به دین مبین اسلام هستند دینی که در مورد همه مسایل، فرامین و رهنمودهای خاص خود را دارد از جمله اخلاق محیط‌زیستی و اهمیت ویژه‌ای به عمران و آبادانی داده است. بر طبق آیات قرآن، خداوند به انسان قدرت و امکانات لازم را داده و او را مکلف به عمران و آبادانی زمین نموده است در همین زمینه در سوره هود می‌خوانیم «او خدایی است که شما را از زمین بیافرید و عمران و آبادانیش را به شما واگذاشت» (هود، ۶۱) قرآن نمی‌گوید خداوند زمین را به شما تفویض کرده اشاره به اینکه وسایل از هر نظر آماده است اما شما باید با کار و کوشش خویش زمین را آباد سازید (۵). فرو ریختن پایه‌های باور دینی و کنار نهادن آموزه‌های اخلاقی و در نتیجه خواسته‌های نامحدود و مطلق، موجب پیدایش جنگ، نزاع، زیاده‌خواهی، تجاوز از حد و حق خود، اختلاف و چند دستگی، اضطراب، دروغ، پرخاش، بی‌عدالتی و تخریب طبیعت

می‌شود، زیرا تا درون انسان‌ها تحول پیدا نکند، برون و زیستگاه آن‌ها نیز دگرگون نخواهد شد. (سوره رعد، آیه ۱۱). به نظر می‌رسد انسان معاصر نیازمند بازنگری در شیوه برخورد خویش با محیط‌زیست است و می‌توان این نگرش اصیل را از آموزه‌های وحیانی طلب کرد. بهبود محیط‌زیست زمانی حاصل خواهد شد که محیط طبیعی و فرهنگی انسان با هم مرتبط باشند. لازمه تحقق چنین هدفی، وجود اخلاق محیط‌زیستی در تمامی اقشار یک جامعه در یک کشور می‌باشد. در این اخلاق برای حل مسایل ناشی از بحران محیط‌زیستی که می‌توان گفت خطرناک‌ترین بحران جهان کنونی است. چاره چویی می‌شود. اخلاق محیط‌زیستی رفتار ایده آل بشر نسبت به محیط زندگی خود اعم از محیط طبیعی، محیط اجتماعی و فرهنگی است (۶). با درک اهمیت اخلاق در حفاظت از محیط‌زیست، افراد مختلف سعی کرده اند تا نظریه‌ها و رهیافت‌هایی پیرامون اخلاقی محیط‌زیستی ارائه دهند. از بین آن‌ها می‌توان به لئوپولد، تیلور، ریگان و نائس، اشاره کرد. این افراد با بیان ضرورت بسط جایگاه اخلاقی به سایر موجودات، هر کدام به نوعی از اخلاق محیط‌زیستی معتقدند که در آن، برخی از گونه‌ها و یا اجزای زیست بوم و یا کل زیست بوم، از جایگاه اخلاقی برخوردار است. برای مثال، ریگان، آن نوع اخلاق محیط‌زیستی را پیشنهاد می‌دهد که می‌توان آن را موضعی قوی در حمایت از حیوانات دانست، در مقابل، لئوپولد با ارائه اخلاق زمین، معتقد به نوعی اخلاق زیست بوم محور است که در آن، رفتاری با محیط‌زیست درست است که به حفظ انسجام، ثبات و زیبایی زمین کمک کند. اگر چه تلاش‌های انجام شده در ارائه نظریه‌ها و رهیافت‌های اخلاق محیط‌زیستی، در جای خود با ارزش‌اند اما، جهان همچنان نیازمند نظریه‌ای جامع در این رابطه است (۷). از این رو، پژوهش حاضر با این هدف تهیه شده است که با طرح ضرورت اخلاق محیط‌زیستی، مهمترین دیدگاه‌های موجود در این رابطه معرفی شوند و ضمن طرح اهمیت ادیان در تبیین اخلاق محیط‌زیستی، رهیافتی مناسب برای این منظور ارائه گردد. اخلاق محیط‌زیست بحثی جدید در مباحث اخلاق فلسفی است و از موضوعات اخلاق کاربردی

محسوب می‌شود که درباره اصول اخلاقی مسوولیت‌های محیط‌زیستی مطالعه می‌کند. هدف اخلاق محیط زیست این نیست که ما را متقاعد کند که باید نگران محیط‌زیست باشیم، بلکه محیط‌زیست بر بنیان اخلاقی مسوولیت نسبت به محیط‌زیست تأکید می‌کند و این که محدوده این مسوولیت‌ها تا کجا گسترش می‌یابد. اخلاق به طور سنتی بر انسان به‌عنوان تأثیرگذار و تأثیرپذیر هر عمل متمرکز بوده است. تغییرات سریع اجتماعات از نظر فناوری، اقتصاد و سیاست، موجب طرح مسایل و پرسش‌های جدید پیرامون تعامل انسان با طبیعت شده اند که فلسفه و علم اخلاق را به چالش می‌کشاند. بدون تردید، وضع و انشاء معیارهای اخلاقی در یک قرن پیش بسیار ساده‌تر از شرایط حاضر بوده است زیرا، به‌دلیل ثبات و همسانی بیشتر اجتماعات، تشخیص معیارهای درست و اشتباه اخلاقی، راحت‌تر انجام می‌گرفته است، اما امروزه مسایل محیط‌زیستی از حوزه خصوصی و فردی به حوزه عمومی انتقال یافته‌اند و پرسش این است که آیا می‌توان از معیارهای اخلاق هنجاری سده‌های گذشته برای تنظیم تعامل انسان با طبیعت استفاده کرد. به همین دلایل، اخلاق محیط‌زیستی یک موضوع پژوهشی مناسب برای مراکز علمی و پژوهشی محسوب می‌شود و به دو دلیل می‌توان آن را قابل تغییر و تکامل دانست. یکی این که، نیازها و اولویت‌هایی که از ارزش‌های جامعه سرچشمه می‌گیرند، در طی زمان تغییر می‌کنند و اخلاق می‌باید قادر باشد تا خود را با تاریخ و سابقه انسان در طول زمان، سازگار کند. دوم این که، پیرامون اخلاق کاربردی که قادر به تشریح حوادث و فجایع محیط‌زیستی باشد، کمبود وجود دارد. این اخلاق جدید باید به ورای عمل‌گرایی رود و درک و احساس جدیدی را از جایگاه مخلوقات در جهان ارائه دهد زیرا، در این صورت است که می‌توان به یک الگوی رفتار محیط‌زیستی قابل اعتماد دست یافت (۸). اهمیت درک و شناخت اخلاق تا حدی است که اغلب دانشمندان و بسیاری از متخصصان محیط‌زیست، حفاظت محیط‌زیست را یک موضوع مهم اخلاقی می‌دانند. «سوروکین» جامعه‌شناس و فیلسوف بنام مغرب زمین در مورد نیاز کنونی جامعه جهانی به اخلاق

محیط‌زیست می‌گوید: با وجود توسعه‌ی وسایل فنی و صنعتی و تکنیکی، هنوز ما به مراتب بیش از هر زمان دیگر، احساس فقر اخلاقی و انسانی می‌کنیم. بدین‌سان رویکرد کنونی تدوین اخلاقی محیط‌زیستی برخاسته از نیاز انسان به آن است (۹). راز و رمز اهمیت بی‌بدیل و نقش سازنده آموزه‌های اخلاق زیستی آن است که اقداماتی که از عمیق‌ترین ارزش‌های اخلاقی و معنوی نشأت نمی‌گیرد، نمی‌تواند در ایجاد آینده‌ای مطمئن، پایدار و امید بخش موفق شود (۱۰).

اما، در زمینه نوع اخلاقی که بتواند با تشریح حوادث و فجایع محیط‌زیستی، به ورای پراگماتیسم رود و درک و احساس جدیدی را از جایگاه مخلوقات در جهان ارایه دهد، کمبود وجود دارد. اخلاق به طور سنتی، به تعریف روابط بین افراد و روابط بین افراد جامعه پرداخته است و بنابر نظر برخی صاحب نظران، اخلاقی که رابطه دو جانبه بین انسان و زمین، حیوانات و گیاهان را تنظیم کند، تاکنون وجود نداشته است. از نظر آنان، گسترش اخلاق به این جزء سوم، یعنی رابطه انسان با محیط‌زیست، یک فرصت انقلابی و ضرورتی محیط‌زیستی است. امروزه، این نیاز بیشتر احساس می‌شود که علایق انسان در مقابل علایق سایر موجودات، متعادل شود زیرا نکته مهم، چگونگی حفاظت از جمعیت غیرانسانی در برابر آسیب‌های انسانی است. از این رو، به اخلاق به‌عنوان مبنایی برای پاسخگویی به این قبیل دغدغه‌ها توجه می‌شود. تغییرات ایجاد شده در طبیعت به وسیله فعالیت‌های انسان‌ها، به تردید و ضرورت ارزیابی مواضع اخلاقی نسبت به طبیعت منجر شده است و به دنبال آن، اخلاق محیط‌زیستی با تعریف مجدد باید و نبایدها در ارتباط با محیط‌زیست و ارزیابی موقعیت بشر نسبت به آن مواجه شده است. در واقع، به دلیل نبود توافق پیرامون راه‌هایی که باید برای اصلاح یا تغییر شکل تعامل مشکل‌ساز انسان با محیط‌زیست دنبال شوند، پیشنهادهای گوناگون و اغلب متضادی در این باره ارایه شده‌اند. این پیشنهادها بیشتر در قالب الگوهای هنجاری برای رفتار اجتماعی یا اخلاق، مفهوم‌سازی شده‌اند. از طرفی در پژوهش پیرامون اخلاق محیط‌زیستی می‌باید به بومی بودن اخلاق محیط‌زیستی نیز

توجه ویژه داشت زیرا، امروزه بر زیست منطقه‌گرایی اخلاق محیط‌زیستی تأکید می‌شود. زیست منطقه‌گرایی، وضع و حالتی است که در تعریف و وضع اخلاق محیط‌زیستی، منطقه‌ای و محلی بودن اخلاق محیط‌زیستی، دنبال می‌شود (۱۱). این رویکرد، الزامات جدیدی را برای مراکز علمی و پژوهشی در بسط و توسعه اخلاق محیط‌زیستی مناسب و مبتنی بر فرهنگ، ارزش‌ها، باورها و نگرش‌های ویژه محل، گوشزد می‌کند زیرا، در فرآیند جدید تحولات جهانی و اجتماعی، مقوله‌هایی مانند تنوع و تکثر اهمیت یافته‌اند و هویت، به یکی از متغیرهای اصلی در جهان امروز تبدیل شده‌است. به همین دلیل، پژوهش پیرامون اخلاق محیط‌زیستی می‌باید به حفظ هویت دینی و تاریخی نیز کمک نماید. از دلایل دیگر ضرورت اخلاق محیط‌زیستی، تأثیری است که جهان‌بینی و راهنمایی‌های اخلاقی، بر رفتارهای فردی و جمعی دارند. باورهای محیط‌زیستی یا جهان‌بینی، به عنوان نظامی از گرایش‌ها و باورها درباره رابطه بین انسان و محیط زیست، تعیین کننده رفتارهای حفاظتی یا چارچوب‌های مرجعی هستند که هنگام تعامل با محیط‌زیست از آنها استفاده می‌شود. در این رابطه می‌توان گفت که طرز فکر ما اولین چیزی است که وارد محیط می‌شود و با شکل‌دهی چگونگی ارزش‌گذاری اجزای مختلف زیست بوم، چگونگی رفتار ما با آن را تعیین می‌کند. لذا، نوع رفتار ما با محیط زیست تا حد زیادی به چگونگی درک ما از رابطه خود با آن وابسته است. این که ما چگونه برای محیط‌زیست ارزش قایلیم، تعیین کننده است که نقش و عملکرد خود را بر زمین چگونه می‌بینیم و برای به اشتراک گذاردن این منابع با دیگران، چگونه رفتار می‌کنیم. (۱۲). سؤال اصلی تحقیق این است که در اخلاق محیط‌زیستی چه عواملی را می‌توان برای حفاظت از محیط‌زیست به کار برد؟

هدف و فایده اخلاق محیط‌زیستی

۱- نگرش صحیح به مسأله محیط زیست

ب: نظریه ای که تعریفش از اخلاق، مبنای حقوق و وظایفی است که موجود اجتماعی آزادانه و از طریق توافق متقابل در پیش می‌گیرد، یک نظریه میثاق‌گرا است.

ج: اخلاق پرهیزکارانه، نظریه ای است که هر عمل را زمانی به لحاظ اخلاقی موجه می‌داند که پرهیزگاران خدا باور به آن دست زنند (۱۴).

اخلاق محیط‌زیستی، نقش انسان را به طور مؤثر، از فاتح زمین به شهروند و محافظ محیط تغییر می‌دهد. لازمه این نقش جدید آن است که زمین را به چشمی بنگریم که درخور احترام و عشق است و نه صرفاً یک کالای اقتصادی که باید آن را مصرف کرد و به دور ریخت.

۲- وقوف انسان به مسئولیت خویش

پرسش اساسی، پیرامون ارزشی است که می‌باید به محیط‌طبیعی نسبت داد، بدین معنا که چیزهایی به غیرانسان، اعم از زنده و بی‌جان، آیا ارزش نهادن بر آن‌ها و مراقب بودن در برخورد با آنان فقط به خاطر آن است که به جهات متعدد برای ما مفیدند، یا این که تمام و یا بعضی از آن‌ها ارزش‌های مستقل و فراتر از منافع انسانی نیز دارند؟

اکنون فیلسوفان مغرب زمین، خود مجبورند اعتراف کنند که در تشخیص اخلاق آرمانی از اخلاق واقع بینانه‌ی زمینی، بالقوه ابهام وجود دارد. دادن حق حیات به گیاهان، جانوران و سرزمین‌ها ممکن است به این معنی تعبیر شود که ما نیز، همچون پیروان مذهب هندی جاینیسم، برای هر فرد گیاه یا هر فرد حیوان حق بنیادی زندگی قایل هستیم.

در برابر این پرسش بنیادین دو پاسخ شکل گرفته است:

۱- برخی از فلاسفه عقیده دارند آن چیزهایی در طبیعت ارزشمند است که در نهایت با منافع انسان تعریف شود.

۳- نهادینه سازی زیباترین تعامل ممکن با محیط‌زیست

بر اساس این دیدگاه اخلاق محیط زیست، نیازمند یک مفهوم ارزشی به عنوان کیفیتی مستقل از قضاوت، سلیقه و منفعت بشری نیست، بلکه تابع سودمندی و ارزش‌گذاری انسان است می‌دانند؛ ولی در این صورت پرسش مهم و اجتناب‌ناپذیر ارزش ذاتی و ارزش ابزاری مطرح می‌شود. زیرا عبارت ارزش ذاتی و ارزش ابزاری مرتباً در نوشته‌های مربوط به اخلاق محیط‌زیست به کار می‌رود. در ذیل تعریف ارزش ذاتی و ابزاری ارایه شده است:

اخلاق زمین که «آلدولئوپولد» در سال (۱۹۴۹) مطرح کرد بر حقوق همه منابع از جمله گیاهان، جانوران و مواد زمین، به تداوم حیات (و حداقل در بعضی نقاط، تداوم آن به حالت طبیعی) تأکید می‌ورزد. اخلاق، زمینیان را در مقام کارگزار طبیعت می‌بیند و برای او در پایداری طبیعت، برای خود و نسل‌های آینده‌اش مسئولیت قایل است (۱۳).

مبانی تئوریک اخلاق محیط‌زیستی

در اخلاق محیط‌زیست سه گونه نظریه منفعت‌گرا، میثاق‌گرا و پرهیزکارانه شکل گرفته است که به تعریف هر یک می‌پردازیم:

الف) ارزش ذاتی محیط زیست: منظور از ارزش ذاتی محیط‌زیست این است که ارزشی که به او نسبت می‌دهیم به خاطر سودمندی‌اش برای انسان نیست، بلکه به خودی‌خود واجد ارزش است. بدان معنا که ارزش محیط‌زیست مستقل از موجودیت موجود ارزش‌گذار، یعنی انسان باشد. آرته ناس، در تحلیل ارزش ذاتی و اقسام آن معتقد به دو برداشت از این مفهوم است. نخست ارزش ذاتی که ممکن است تجریدی بوده و شی را با «ارزشی که آنگونه هست» (Une en valeur

الف: نظریه ای که تصمیمش به باید یا نباید در انجام یک عمل، بر مبنای پی آمدهای آن بر رفاه مردمی که تحت تأثیر آن عمل قرار می‌گیرند مبتنی است، یک نظریه منفعت‌گرا محسوب می‌شود.

در این رویکرد طبیعت و محیط زیست ارزش ذاتی دارد. در این رویکرد به هیچ وجه انسان و مسایل و منافع مادی وی مطرح نیست. بلکه طبیعت، فی نفسه و به خودی ارزشمند است. این رویکرد ما را فارغ از مضار یا منافع آن و می‌دارد که هر دو حوزه محیط‌زیست طبیعی و انسانی را حفاظت نموده و ارج نهیم. در تئوری‌های غیرانسان‌محور در زمینه ارزش ذاتی طبیعت دو جریان فلسفی متفاوت قابل توجه است که نخستین آن مربوط به نظریه عینی تیلور و دیگری نظریه ذهنی هلمز رولستون سوم است.

نظریه نخست که، بیشتر برخاسته از رویکرد کانتی از مساله ارزش در محیط‌زیست است. معتقد است که مطابق قواعدی جهانشمول و انسانی آدمی باید اخلاقاً به طبیعت احترام بگذارد. در مقابل در برداشت ذهنی، طبیعت دارای ارزشی مستقل از فعالیت‌های انسانی است. در این برداشت ما غالباً از عنوان ارزش درونی اخلاقی به جای ارزش ذاتی صحبت می‌نماییم. این برداشت به دلیل تناقض‌های موجود در نظریه و نزدیکی آن با بنیان‌های نظری انسان‌محور مورد انتقاد قرار گرفته است. دسته دیگری از متفکرانی که بر رویکرد طبیعت محور تأکید دارند، معتقدند که اخلاق صرفاً تنظیم رابطه انسان با انسان و یا با خدا نیست بلکه این رابطه باید به فراتر از انسان نیز گسترش یابد، این رابطه باید به رابطه اخلاقی جهان طبیعی غیر بشری نیز پیوند بخورد.

ب) رویکرد انسان محور

در این رویکرد هدف از محیط‌زیست نه برای محیط‌زیست بلکه در واقع حمایت از انسان و منافع انسانی است. این شخص انسانی است که ارزش دارد و تنها علایق یا اهداف انسانی هستند که موضوع داوری اخلاقی قرار می‌گیرند. در این رویکرد برداشتی ابزاری از مساله محیط‌زیست قوی است. به گونه‌ای که حمایت، پاکسازی و بهبود محیط زیست انسانی از اولویت اساسی نیز برخوردار است (۱۸). امری که آن را انسان‌محوری ابزاری می‌نامند. این رویکرد در حفاظت از محیط‌زیست به دنبال این است که صرفاً انسان بتواند در یک

(elle-meme) و خارج از هرگونه عنوان سلبی و مقایسه‌ای، ارزشمند نماید و دیگر؛ ارزشی که در سلب مفهوم نسبت به مالک یا اشیاء مشابه ارزشگذاری می‌شود (۱۵).

ب) ارزش ابزاری محیط‌زیست: برخلاف ارزش ذاتی، به این معناست که وقتی چیزی ارزش ابزاری دارد که ارزش و بهای خود را در انتساب به هدف یا موجود دیگری می‌گیرد. در این برداشت ارزش هر شی متغیر و کاملاً وابسته به موجود ارزشگذار است. (۱۶).

ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در حوزه محیط زیست

تیلور در اثر مشهور خود تحت عنوان احترام به طبیعت برای بیان ارزش ذاتی می‌گوید: هر کس از گل، درخت یا درختچه‌ای مراقبت نموده باشد، ارزش آن را می‌داند (۱۷). در حوزه محیط‌زیست این مساله به چالش کشیده می‌شود که آیا عناصر طبیعت فی نفسه دارای ارزش ذاتی و مستقل هستند یا از آن جهت ارزشمندند که انسان برای آنها ارزش قایل گردیده است. سود و زیان را آیا صرفاً می‌توان برای هویت‌های انسانی به کار برد یا می‌توان آن را به گونه‌ای ویژه و فارغ از همه معیارهای اقتصادی حاکم بر جوامع انسانی که تابعی از اقتصاد بازار است. به گیاهان و جانوران نیز تعمیم داد. تیلور معتقد است که، هیچ موجود زنده‌ای ذاتاً پست‌تر یا برتر از دیگری نیست و تنها این تمایز هنگامی آشکار می‌شود که ما آنها را به منافع انسانی گره می‌زنیم. در کنار رویکردهای متعددی که در حوزه محیط‌زیست مطرح گردیده است دو نوع رویکرد در تحلیل فلسفه محیط‌زیست غالب است: نخست رویکرد انسان محور که طبیعت و محیط زیست را به منافع انسانی پیوند می‌زند و غالباً طبیعت، ارزش ابزاری دارد و دیگر رویکرد طبیعت محور که با نقد الگوی نخست برای طبیعت و عناصر آن ارزشی مستقل قایل است.

الف) رویکرد طبیعت محور:

اگر در رویکرد انسان محور طبیعت عنصری وابسته و تبعی محسوب می‌شود و در نهایت به منافع انسانی گره می‌خورد،

در گذشته آن را نمی شناخته و این خود مسایل اخلاقی جدیدی را پیش روی می نهد، مثلاً تا یک دو دهه پیش کمتر کسی گمان می کرد که فعالیت های بشری را پیش روی می نهد، مثلاً تا یکی دو دهه پیش کمتر کسی گمان می کرد که فعالیت های بشری بتواند محیط زیست زمین را در مقیاس تمامی کره تغییر دهد. اما اکنون دانشمندان عقیده دارند که سوزاندن سوخت های فسیلی و پاک تراشی جنگل ها، مقدار گاز کربنیک اتمسفر را تغییر داده و این خود می تواند اقلیم جهان ما را دگرگون کند. پس باید احکام اخلاقی آن را به پژوهش نشست.

۳. نگرانی های گسترده تر اخلاقی: مکاتب و اندیشه های وحیانی عقیده دارند که حیوان، درخت و سنگ نیز از حقوق روحی و اخلاقی برخوردارند و بسط طبیعی تمدن، حکم می کند که در اخلاقیات خود محیط زیست را نیز بگنجانیم. این توجه و نگرانی بسط یافته مسئولیت الهی انسان نیز بر نیازه اخلاقیات جدید تأکید می گذارد. بنابراین نقش اصلی اخلاق محیط زیستی ایجاد موانع درونی اخلاقی در آحاد جامعه برای رفتار نسبت به طبیعت است. (۲۰)

اخلاق محیط زیستی، را می توان در قالب سه نظریه اخلاق هنجاری مورد بررسی قرار داد که به اندازه کافی تنوع دارند تا مباحث مرتبط با معیار عمل اخلاقی را پوشش دهند. این نظریه ها عبارتند از:

الف. نظریه اخلاقی پیامدگرایی

اخلاق محیط زیستی به عنوان یکی از شاخه های اخلاق کاربردی، به مسایلی می پردازد که در پرتو رابطه انسان و محیط زیست مطرح می شوند. اخلاق هنجاری اساساً اخلاقی انسان محورانه است. به این معنا که فرض بر این است که اخلاق برای انسان است و نه انسان برای اخلاق. همه هدف اخلاق این است که به نحوی در خدمت انسان باشد. به عنوان مثال در پاسخ به یکی از پرسش های اساسی اخلاق هنجاری، که به مسأله تکلیف مربوط می شود. دو دیدگاه رقیب یعنی

محیط سالم رشد کند و محیط او در برابر آلودگی ها، آفات، خسارت ها و آسیب ها حفظ گردد. «ریچارد روتلی» (۱۹۹۶- ۱۹۳۶) به دنبال طرح مفهوم «آخرین انسان»، انسان محوری را در تفکر فلسفی غرب شووینیسم انسانی می نامند و نیاز به شکل گیری اخلاقی جدید را متذکر می گردد (۱۹).

اهمیت آموزه های اخلاقی در ساماندهی محیط زیست

مردم و کارگزاران توسعه در کشورهای در حال توسعه مدتی است احساس کرده اند که بسیاری از ارزش ها و عقاید حاکم و رایج در الگوهای کنونی توسعه، نمی تواند باعث ارتقای توسعه پایدار براساس محیط زیست گردد. از آنجا که انسان فاعل علمی است و به دیگر سخن تصمیمات و عملکردش بر اساس بینش و نگرش او شکل می یابد رویکرد نوین مغرب زمین به طرح مباحث اخلاق محیط زیستی بدان روست که نگرش های مادی و اومانستی و لیبرالیستی که محور همه امور را انسان می داند، در مدیریت و برنامه ریزی سیستماتیک منابع محیط زیستی فرومانده است.

مشکلات گسترده و روز افزون محیط زیست، ساماندهی، مهندسی و برنامه ریزی سیستماتیک محیط زیست را با چالش های بسیاری مواجه ساخته است؛ بدین جهت است که اندیشمندان فرهیخته و نازک اندیش جوامع بشری را به چاره اندیشی و طرح مباحث اخلاق محیط زیستی واداشته است. گورل توردین می گوید: برنامه ریزی فیزیکی کافی نیست، ما همچنین نیازمند برخورداری از دورنمایی از آینده هستیم، دورنمایی که مبتنی بر ارزش های اخلاقی باشد.

- اکنون این پرسش مطرح شده است که علت نیاز به اخلاق جدید در ارتباط با محیط زیست کدام است؟ پاسخ به آن سه عامل را در بر می گیرد:

۱. تأثیرهای جدید بر طبیعت: از آنجا که تمدن فن سالار جدید شدیداً بر طبیعت اثر می گذارد لذا بررسی پیامدهای اخلاقی این گونه اعمال جدید ضرورت دارد.
۲. آگاهی جدید از طبیعت: علم جدید نشان می دهد که انسان محیط خویش را به گونه ای تغییر داده و می دهد که

پیامدگرایی (Consequentialism) و وظیفه‌گرایی (Deontologism) مطرح شده است.

ب. نظریه اخلاقی وظیفه‌گرایی

درستی یا نادرستی یک فعل مستقل از پیامدهای آن است و یا حتی اگر پیامدهای فعل نیز در این میان دخیل باشد، این پیامدها تنها معیار تعیین کننده نیست. بر طبق این نظریه آدمی درکی فطری، وجدانی یا عقلی از درستی و نادرستی دارد و بر همین اساس درستی یا نادرستی اعمال را تشخیص می‌دهد. در مقابل پیامدگرایی بر آن است که باید درستی و نادرستی اعمال را بر حسب پیامدهای آنها تعیین کرد و اصولاً صرف نظر از این پیامدها درستی یا نادرستی برای یک عمل درکار نیست. ولی در هردو نظریه تصریحاً یا تلویحاً فرض بر این است که موجودی که در خود ملاحظه و توجه اخلاقی است، انسان است. در نظریات پیامدگرا وقتی پرسش می‌شود که منظور از پیامدهای فعل چیست و این پیامدها به چه کسی مربوط می‌شود، در پاسخ می‌گویند منظور از این پیامدها، تأمین سعادت برای انسان است. حال اگر خود گرا باشند سعادت خود فاعل را مبنا قرار می‌دهند و اگر فایده‌گرا باشند این پیامد را بیشترین سعادت برای بیشترین تعداد از انسان‌ها معنا می‌کنند. وظیفه‌گرایان نیز هر چند نه با این صراحت، بلکه به صورت تلویحی، انسان را مدار و محور همه ملاحظات اخلاقی می‌دانند. ایمانوئل کانت (۱۸۰۴-۱۷۲۴) به عنوان یکی از برجسته‌ترین فیلسوفان وظیفه‌گرا اساس اخلاق را این می‌داند که انسانیت هرگز وسیله قرار نگیرد و همواره غایت باشد (۲۱).

- نظریه حیات ارگانیک

این نظریه که به آن «حالت احترام به طبیعت» یا «حرمت حیات» هم گفته شده، درصدد است تا جایگاه اخلاقی مستقلی برای همه موجودات زنده ثابت کند. داشتن جایگاه اخلاقی مستقل به این معناست که موجودات مورد ادعا، دارای حقوقی هستند که دیگران باید آن را مستقل از منافع، حالات و یا احساسات خود رعایت کنند. این نظریه، بر حرمت حیات تک تک موجودات تأکید می‌ورزد و بر این باور است که «حیات

ارگانیک» تنها معیار معقول برای شأن اخلاقی است. او می‌گوید: «هرکس دارای حساسیت قوی اخلاقی است، درمی‌یابد که توجه به سرنوشت همه مخلوقات زنده یک امر طبیعی است.» (همان: ۱۵۴). بنابراین، اخلاق عبارت است از ضرورت حرمت نهادن به حیات هر اراده معطوف به زیستن را درست مانند آنچه در قبال اراده معطوف به زیستن خود دارم، احساس کنم. حاصل آنکه من هم اینک اصل بنیادی مورد نیاز اخلاق را در اختیار دارم: حفظ و حرمت حیات‌خیر است؛ ناپود کردن، متوقف ساختن حیات شر است. یک انسان تنها در صورتی واقعاً اخلاقی به شمار می‌آید که از تکلیفی که برعهده اوست نسبت به کمک کردن به هر موجود زنده‌ای که توان کمک به او را دارد، پیروی کند و برای احتراز از آسیب رساندن به هر شی جاندار از (هر) راه و روش دست بردارد» (۲۲).

- نظریه ماکس وبر

نزد «وبر» مفهوم اخلاق، یعنی درمعنای جامع کلمه، اعمال و رفتار جایگاه اول را دارد. آنچه برای او جالب است جهت‌یابی‌های هنجاری هستند که شیوه زندگی شخصی را ساماندهی می‌کنند مسأله تبیین این است که چرا برخی رفتارها برای ما احیا می‌شوند، حتی اگر در نگاه اول توقعات و منطقتشان مانعی در برابر ارضای برخی غرایز و خواهش‌های نفسانی هستند. یکی از شرایط این مشروع‌سازی این است که مجموعه ارزش‌هایی که میدان تجربه ما را در قبال، مهمترین ابعادش ساماندهی می‌کنند به تکالیف قومی مشروعیت می‌بخشند (۲۳). وبر به دین به عنوان بعد محوری فرهنگ اشاره می‌کند و بر محتوای ذهنی نظام‌های تجربه ایمان و اعتقاد، تأکید دارد. وی معتقد است با آغاز مدرنیته، جهان به سمت تهی شدن از معنا پیش می‌رود و در عصر بوروکراسی به جای کسب نوعی تعالی، توجه اصلی بشر بر کارایی و عقلانیت است با این تفاسیر زندگی مقصد و معنی خود را گم کرده و انسان‌ها در دامی افتاده‌اند که او آن را قفس آهنین بوروکراسی پوچ و عقلانیت بی معنا نامیده است. وبر با تأکید بر اهمیت محوری و تقریباً همه جانبه باورهای دینی در زندگی بشر، فضایی برای

از این قبیل این است که دایره ملاحظات اخلاقی را به ورای محدوده نوع بشر گسترش می‌دهد. اما اگر موجوداتی غیر از انسان را در خور ملاحظات اخلاقی بدانیم، پرسش این است که چه چیزی انسان را می‌توان محور و مدار بحث قرار داد. اخلاق حیوان - محورانه دیدگاهی است که علاوه بر انسان، حیوانات را نیز در خور ملاحظات اخلاقی می‌داند. بنابراین در مقام تصمیم‌گیری کافی نیست که صرفاً تأمین مصالح انسان‌ها یا کاستن از رنج آنها را در مد نظر قرار دهیم. بلکه باید همین ملاحظات را در مورد حیوانات نیز به کار ببریم. برخی دیدگاه‌ها دایره ملاحظات اخلاقی را از این هم فراتر می‌برند و همه جانداران را محور و مدار ملاحظات اخلاقی را از این هم فراتر می‌برند و همه جانداران را محور و مدار ملاحظات اخلاقی قرار می‌دهند. ولی در اینجا جدی‌ترین پرسشی که مطرح است این است که اساساً حیات چیست؟ و آیا همه جانداران ارزشی یکسان دارند؟ و در صورت تعیین مرتبه آن‌ها چگونه می‌توان نوع رفتار اخلاقی با آن‌ها را تعیین کرد؟ این پرسش‌ها و بسیاری از پرسش‌های دیگر از این دست که برای اخلاق محیط‌زیستی مطرح است. فعالان این حوزه را ناگزیر به مباحث مابعدالطبیعی و الهیاتی درباره طبیعت سوق می‌دهد. می‌توان گفت اخلاق محیط‌زیستی به تنهایی کفایت لازم را برای حل و فصل همه مسایل اخلاقی مطرح در مورد رابطه انسان با طبیعت را ندارد، و در نتیجه ناگزیر است به حوزه‌هایی خارج از اخلاق روی آورد. یکی از این حوزه‌ها دین است.

- دین می‌تواند به خصوص از دو جهت به تعمیق اخلاق محیط‌زیستی و غنا بخشیدن به آن، مدد برساند. یکی از این جهت که ژرف‌ترین بصیرت‌ها درباره طبیعت و محیط زیست را در ادیان به خصوص در ساحت باطنی ادیان می‌توان یافت. در حقیقت در پرتو همین ساحت باطنی ادیان، در طول تاریخ کم نبوده و نیستند کسانی که اهل نظر بوده و نه تنها با حیوانات و گیاهان احساس همدلی و خویشاوندی می‌کرده، بلکه اساساً محرم جان جمادات شده اند. بر مبنای چنین شهودهای راستینی نسبت به طبیعت، حق و حقوق اخلاقی طبیعت

استقلال فرهنگ ایجاد می‌کند (۲۴). وبر خصیصه عمده جامعه جدید را در توسعه روند عقلانیت می‌داند نه در تمایز پذیری اجتماعی و هریک از این مفاهیم از دیدگاه وی هم از نظر تعبیر علمی پدیده‌ها و هم از لحاظ ارزشگذاری اخلاقی و فلسفی، نتایج متعدد به بار می‌آورند (۲۵).

خداباوری: ارزش برخاسته از ادیان

امروزه، محیط‌زیست طبیعی مورد تهدید است زیرا، انسان با کمک فناوری، قادر است تا در سطح کره، به تخریب محیط‌زیست اقدام کند. بروز بحران‌های محیط‌زیستی موجب طرح این پرسش شده است که آیا محیط‌زیست می‌تواند ادامه رفتار فعلی انسان‌ها را دوام بیاورد؟ هر روز بر این آگاهی افزوده می‌شود که نمی‌توان همانند گذشته به مصرف منابع جهان ادامه داد و نشانه‌های تنگناهای محیط‌زیستی در همه جا آشکار شده است (۲۶). در حقیقت یکی از نقاط عزیمت اخلاق محیط‌زیستی مناقشه در همین انسان محوری در اخلاق است. بر طبق این نگاه انسان محورانه، در عرضه اخلاق محیط‌زیستی نیز فقط این انسان‌ها هستند که حق و حقوقی دارند و در استفاده از محیط‌زیست باید مصالح آنها مورد توجه قرار بگیرد (۲۷). حال در اخلاق محیط‌زیستی این پرسش مطرح است که آیا باید همه رویکردهای ما به محیط‌زیست، انسان‌محورانه باشد. بدین معنا که اگر بنا است قید و شرطی برای رفتار ما با طبیعت وجود داشته باشد. همیشه باید این قید و شرط‌ها را به لحاظ نوع انسان تعریف کرد، یا نه خود طبیعت نیز دارای حق و حقوقی است که در مقام رفتار با طبیعت باید آن حق و حقوق را سوای ملاحظه نوع بشر در مدنظر قرار داد. در بادی امر، چنان می‌نماید که راه نجات محیط‌زیست این است که برای خود طبیعت با بخش‌هایی از طبیعت ارزش ذاتی قابل شویم و در هر شرایطی مصالح آنها را سوای ملاحظه نوع بشر در مد نظر قرار داد، و در هر شرایطی مصالح آنها را به پای مصالح انسانی قربانی نکنیم. به همین دلیل است که در مقابل اخلاق محیط‌زیستی انسان محورانه، اخلاق محیط‌زیستی غیر-انسان محورانه مطرح می‌شود. وجه اشتراک همه دیدگاه‌هایی

نسبت به سایر موجودات در مرتبه‌های متفاوت می‌بیند، اما باید گفت که اگر چه انسان در ادیان ابراهیمی متفاوت از بقیه مخلوقات است ولی، انسان به دلیل مسئولیتی که در قبال خداوند دارد، نسبت به محیط زیست نیز مسئولیتی ویژه دارد. این چنین مسئولیتی این است که در هنگام تصمیم‌گیری درباره محیط‌زیست، پیامدهای ممکن بر سایر موجودات زنده نادیده گرفته نشود (۲۹).

به این ترتیب، در ادیان ابراهیمی، پرسش پیرامون این که چه چیزی از ارزش ذاتی برخوردار است، برحسب خدامحوری ارایه می‌شود. به این معنا که، ارزش ذاتی در جهان هستی متعلق به خداوند است و ارزش سایر مخلوقات بر این مبنا قابل تعریف هستند. از این رو، تمامی اجزای طبیعت به دلیل این ارتباط از ارزش برخوردار می‌شوند و انسان وظیفه دارد تا از آنها مراقبت کند. لذا، می‌توان گفت معیار عمل اخلاقی نیز در چنین نگرشی، بر مبنای انجام وظایفی استوار است که با خدانشناسی بر عهده انسان گذارده شده است. در یک تقسیم کلی ادیان برمبنای تصورشان از خدا به دو دسته ادیان خدا باور و ادیان غیر-خدا باور تقسیم می‌کنند. ادیان خدا باور به تعالی خدا یا خدایان بر عالم عقیده دارند و این خدا یا خدایان را موجوداتی مشخص می‌دانند. ادیانی مانند یهودیت، مسیحیت و اسلام از این قسم اند. در مقابل ادیان غیر خدا باور، در عین آنکه به بعد ماورایی عالم معتقدند ولی اعتقادی به وجود خدا یا خدایان متعالی ندارند. بدین ترتیب باب نوعی رویکرد ابزار نگارانه به دین باز می‌شود. در این رویکرد فهم دنیای مدرن از طبیعت مسلم فرض می‌شود؛ طبیعت در پرتو دیدگاه کمیت مدار علم جدید که نسبتی حقیقی ماده و معنا نمی‌بیند و به ثنویت اکید میان این دو قایل است، تفسیر می‌گردد. در عین حال تعالیم ادیان، خواه تعالیم باطنی و خواه تعالیم ظاهری آنها را تا بدان جا به کرار مقاصد چاره اندیشی برای حل بحران محیط‌زیست می‌آید، مورد استفاده قرار می‌دهند. در نتیجه به اقتضای مقاصدشان یک دین را به نفع دین دیگر کنار می‌گذارند؛ در پاره‌ای موارد دست به التقاط می‌زنند و سعی دیدگاه دینی جدیدی با اقتباس از ادیان مختلف طراحی کنند،

معنای ژرفی پیدا می‌کند و این می‌تواند برای محققان امروز بسیار الهام بخش باشد.

- جهت دیگر اینکه در طول تاریخ، ادیان مختلف از طریق احکام دینی (شریعت) خویش دستورالعملهایی برای زندگی بشر تدوین کرده اند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به حفظ و صیانت از محیط‌زیست مدد می‌رسانده است. به‌عنوان مثال دستورات دینی در مورد زهد (ترک دنیا) و قناعت، که عموماً در ادیان به شکل‌های مختلف توصیه می‌شود، هر چند ارتباط مستقیمی با حفظ محیط‌زیست ندارد، ولی می‌توانند از جمله کارآمدترین تدابیر برای حفظ زیست باشند. به علاوه احکام بسیاری در ادیان داریم که مثلاً به محبت به حیوانات، در خنان، آزار نرساندن به آنها و حتی آلوده نکردن آب‌های روان و مانند آن امر می‌کنند و پیداست که این احکام می‌تواند منبع الهام در خوری برای تدوین دستورالعمل‌های محیط‌زیستی باشد.

بسیاری بر این باورند که بحران محیط‌زیستی در واقع یک بحران معنوی و دینی است و جدایی دین از زندگی دنیوی، می‌تواند مهم‌ترین عامل بروز بحران‌های محیط‌زیستی باشد زیرا، بوم‌شناسی انسانی، به شدت تحت‌تأثیر باورهای انسان نسبت به ماهیت و طبیعت انسان، یعنی دین، قرار دارد. با اهمیت یافتن تأثیر باورهای اخلاقی و ارزش مذهبی بر رفتار نسبت به دیگران و از جمله رابطه با سایر موجودات و گیاهان، تأکید بر این است که راه حل بحران‌های محیط‌زیستی در بازگشت مجدد به سنت ادیان جستجو شود (۲۸). این موضوع ما را به کانون ارزشی دیگر به نام خداگرایی رهنمون می‌شود. خداگرایی، رهیافتی خدامحور نسبت به جهان است که ناشی از ایمان دینی به این موضوع است که خداوند خالق و نگهدارنده زمین است.

در خدامحوری ادیان ابراهیمی، خداوند خالق و نگهدارنده زمین است. بنابراین، مراقبت از محیط‌زیست، مراقبت از چیزهایی است که متعلق به خداوند است. اگر چه برخی به این دیدگاه، ایراد انسان محور را گرفته اند زیرا، معتقدند انسان را

در خودبوم شناسی، تلاش برای حفاظت از محیط زیست تنها در صورتی موفقیت آمیز است که انسان با خود غیرواقعی مبارزه کند و خودواقعی خویش را پرورش دهد. خودواقعی انسان که ماهیتی ملکوتی یا خدایی دارد، می تواند با پرورش به نحوی شکوفا شود تا قابلیت خود را با تجلی صفات خداوندی، بروز دهد به عبارت دیگر اگر نفس واقعی انسان شکوفا شود، با خداشناسی خواهد توانست به خدامحوری دست یابد به این صورت، دو معیار اخلاق محیط‌زیستی اسلامی یعنی، خدامحوری و خداشناسی در رفتار با طبیعت، محقق می‌شوند. این فرآیند به این صورت می تواند رخ دهد که انسان با خودشناسی یعنی شناخت نفس شناخت نفس واقعی و پرورش آن، به خداشناسی می رسد. از این رو، خودشناسی به خداشناسی و خدامحوری می انجامد که ویژگی های آن قبلاً بحث گردید. از این رو، خود بوم شناسی با مفهومی سروکار دارد که از آن به نام صیانت و عزت نفس یاد می شود که جز با یاد خداوند امکان پذیر نیست (۳۱). در ارتباط با محیط زیست می‌توان چنین گفت که صیانت و عزت نفس، تعامل مناسب انسان با محیط زیست و در نتیجه حفاظت از آن را به دنبال خواهد داشت زیرا، کسی که با خودشناسی و صیانت از نفس واقعی، به خداشناسی رسیده باشد در رفتار خویش با سایر مخلوقات نیز از راهنمایی های نفس روحانی که ودیعه‌ای الهی است بهره می‌گیرد. در مقابل، کسی که نفس واقعی خود را فراموش کند و نفس حیوانی را برای خود برگزیند، مانعی درونی برای محدود کردن رفتار در اختیار نخواهد داشت و لذا رفتار با طبیعت از تمایلات حیوانی وی، پیروی می کند و طبیعت را جز ابزاری برای دستیابی به امیال و رفاه خویش نخواهد دید. این را می توان همان اتفاقی دانست که بروز بحران های زیست محیطی بر اساس آن قابل تحلیل است، یعنی سلطه بی حد و حصر انسان بر طبیعت و استثمار آن در راستای تولید بیشتر و افزایش رشد اقتصادی. دستاوردهای خود بوم شناسی با تأکید بر شناخت و صیانت نفس واقعی انسان، ابزار مناسب را برای حفاظت از محیط‌زیست فراهم می آورد. خود بوم شناسی این باور درونی را تقویت می کند که

یا حتی در متن دین واحد، با تلقی استعاری از زبان دین، استعاره های نوین و حتی متعارض با خود آن دین خلق می‌کنند (۳۰). ممکن است این پرسش مطرح شود که در اخلاق محیط‌زیستی اسلامی که بر مبنای خدامحوری و خداشناسی استوار است چه رهیافتی را می توان برای حفاظت از محیط‌زیست به کار برد. پیشنهاد این مقاله، رهیافت خود بوم‌شناسی است.

خود بوم شناسی (Ecology): رهیافت اخلاق محیط‌زیستی

در مکتب توحیدی اسلام، نفس انسان، واحد و متشکل از دو بعد مادی و روحانی است. که کارهای اخلاقی انسان از بعد روحانی نفس وی سرچشمه می گیرند. به عبارت دیگر، آن چیز که موجب بروز رفتارهای اخلاقی در انسان می شود، در نفس روحانی انسان ریشه دارد (۳۰). نکته مهم این است که تمام ردایل اخلاقی از خود غیر واقعی یا خود حیوانی نشأت می‌گیرند و خود واقعی یا خود ملکوتی به خوبی ها و فضایل اخلاقی امر می کند. همواره بین خود واقعی و خود غیرواقعی، درگیری وجود دارد و هر یک از آنها می خواهند زمام امور انسانی را در دست گیرند تا رفتار انسان را جهت دهند. با توجه به این واقعیت و بنابر کانون ارزشی خدامحور و معیار ارزش یابی خداشناسی اسلامی، می توان رهیافت خود بوم شناسی را در اخلاق محیط‌زیستی اسلامی معرفی کرد.

خود بوم شناسی در اخلاق محیط‌زیستی بر مبنای خودشناسی بنا می گردد زیرا کلید بهبود وضعیت اخلاقی انسان، شناخت ماهیت یا نفس خویش است. به این ترتیب انسان با شناخت نفس خویش خود را در برابر بازدارنده های درونی خویش خواهد دید که به وی اجازه ی انجام هر رفتاری را نمی دهند. این موضوع درباره ارتباط انسان با محیط زیست طبیعی نیز صادق است و انتخاب نام خودبوم شناسی به همین دلیل است زیرا، انسان بدون شناخت ماهیت واقعی نفس خود نمی تواند توجیهی برای اخلاق و بهبود وضعیت اخلاقی خویش در تأمل با محیط زیست دارا باشد.

۷) فراموش کردن خویش باعث بحران‌های محیط‌زیستی است، زیرا این بحران‌ها به این دلیل به وجود می‌آیند که انسان با کنار نهادن یاد خداوند، نفس واقعی خود را فراموش می‌کند و اسیر امیال و خواست‌های حیوانی خویش می‌شود.

بنابراین، تخریب محیط زیست انعکاسی از فراموش کردن خداوند و به تبع آن، فراموش کردن نفس خویش است که موجب می‌شود تا انسان با پیروی از خصلت‌های حیوانی خویش و بدون در نظر گرفتن جایگاه خود در هستی، یعنی ناتوانی در تشخیص ارتباط منسجم اجزاء هستی با یکدیگر و احاطه خداوند بر تمام هستی، به سمتی سوق پیدا کند که با خود محوری، به دنبال ارضای خواسته‌های خویش حتی به بهای تخریب محیط زیست، برآید. رهیافت خود بوم‌شناسی از نظر درستی یا نادرستی رفتار، در ابتدا به یک نظریه وظیفه‌گرا شبیه است که در آن، انسان با یاد خداوند، ضمن پرورش نفس واقعی، دستورات و الزاماتی را رعایت می‌نماید که برای تعامل با محیط زیست طبیعی از طرف خداوند تعیین شده است. به این ترتیب، اصول و الزامات اولیه رفتار با طبیعت که از صیانت از نفس واقعی و خداشناسی، ناشی شده باشند، با استمرار یاد خداوند، فضایی را در انسان پرورش می‌دهند که معیار ارزیابی رفتار با طبیعت می‌شوند (۳۲).

فرضیه‌های تحقیق

- به نظر می‌رسد بین ارزش‌های دینی و حفظ محیط زیست رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین اخلاق محیط‌زیستی و حفظ محیط زیست رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین احساس مسئولیت و حفظ محیط زیست رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

روش اصلی این تحقیق پیمایش و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده است. جامعه آماری مورد بررسی در این تحقیق، کلیه شهروندان شهر اهواز که بین ۷۰ تا ۱۸ سال سن دارند، می‌باشد. بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در

حفظ محیط زیست و بهره‌برداری بهینه از آن می‌باید در راستای خداشناسی و رفتار احترام‌آمیز با کلیه مخلوقات خداوند از جمله طبیعت باشد و انسان به عنوان جانشین خداوند بر زمین نیز، می‌باید خود را به صفات الهی متصف نماید. از این رو، انسان‌هایی که به حفظ و صیانت از نفس واقعی می‌پردازند، با محیط زیست چنان رفتاری خواهند داشت که دستاوردهای آن را می‌توان به صورت زیر ارائه کرد:

۱) رد سلطه بدون مسئولیت انسان بر طبیعت، زیرا انسان خلیفه خداوند بر زمین است و امانت دار خداوند محسوب می‌شود.

۲) همزیستی با محیط زیست، زیرا انسان خود را همانند دیگر مخلوقات خداوند بر زمین می‌داند که همه آن‌ها یک منشاء دارند. به این ترتیب، انسان نه تنها از طبیعت جدا نیست، بلکه در شبکه‌ای متشکل از موجودات زنده و غیر زنده قرار دارد.

۳) جلوگیری از استثمار طبیعت و اتلاف منابع، زیرا از انسان خواسته شده است تا به فساد در زمین که از مصادیق آن، تخریب محیط زیست و نابودی زیست بوم است، نپردازد.

۴) مسئولیت‌او پذیری نسبت به رفتار با طبیعت، زیرا همان‌طور که انسان برترین مخلوق است، امانت دار خداوند بر زمین، یعنی اختیار آزادی، نیز می‌باشد. اگر تمام هستی مسخر انسان است، همین واقعیت تایید کننده مسئولیتی است که در برابر رفتارهای خویش با محیط زیست دارا است.

۵) حفاظت و بهبود محیط زیست، زیرا انسان نه تنها موظف به حفاظت از مخلوقات خداوند است، بلکه می‌باید آن را بهبود بخشد. از این رو، خود بوم‌شناسی بر بهبود وضعیت محیط‌زیست به نحوی که تکامل آن تضمین گردد، استوار است.

۶) تقدس محیط زیست به دلیل ارتباط آن با خداوند، زیرا با تکامل نفس و درک یگانگی تمامی مخلوقات، محیط زیست نیز که مخلوق خداوند است مورد احترام و تقدس قرار می‌گیرد. این مفهوم، خود می‌تواند یک بازدارنده درونی مهم برای جلوگیری از صدمه رساندن به محیط زیست باشد.

واریانس سن پاسخگویان ۶۷/۰۹ می باشد. همچنین ۷ نفر معادل ۱/۸ درصد پاسخگویان را زیردبیلیم، ۶۱ نفر معادل ۱۵/۸ درصد پاسخگویان را دبیلیم، ۷۵ نفر معادل ۱۹/۴ درصد پاسخگویان را فوق دبیلیم، ۲۳۱ نفر معادل ۵۹/۸ درصد پاسخگویان را لیسانس، ۴ نفر معادل ۱/۰ درصد کل پاسخگویان را فوق لیسانس و ۲ نفر معادل ۰/۵ درصد کل پاسخگویان را دکترا تشکیل می دهند.

* جدول ۱، نتایج همبستگی میان متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش مطرح شده است. ضریب همبستگی میان احساس مسئولیت با حفظ محیط زیست ($p < ۰/۰۱$)، $r=۰/۳۹۶$ ، اخلاق زیست محیطی ($p < ۰/۰۱$)، $r=۰/۲۱۷$ به بیان دیگر هر چه اخلاق زیست محیطی در بین افراد جامعه افزایش یابد حفظ محیط زیست نیز بهتر می شود، ارزش های دینی ($p < ۰/۰۱$)، $r=۰/۲۸۰$ مثبت است. این نتایج نیز فرضیات یکم، دوم و سوم پژوهش را تأیید می کند.

سال ۱۳۹۰، جمعیت کل شهرستان اهواز ۴۵۳۱۷۲۰ نفر بوده است که از این تعداد حدود ۲۲۸۶۲۰۹ نفر را افراد ۱۸-۷۰ سال به بالای مرد و ۲۲۴۵۵۱۱ نفر را افراد ۱۸-۷۰ سال به بالای زن تشکیل می دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). در این پژوهش از روش نمونه گیری طبقه ای استفاده شده است که با توجه به ویژگی های جامعه آماری، این روش به صورت چند مرحله ای و متناسب صورت گرفته است. براساس فرمول کوکران تعداد افراد نمونه ۴۰۰ نفر تعیین گردید. در پژوهش حاضر داده ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در بخش توصیفی، از آمار توصیفی و در بخش استنباطی نیز با کمک تحلیل های آماری نظیر، آزمون T-Test، ضریب همبستگی پیرسون، ارتباط بین متغیرها بررسی می گردد.

یافته های تحقیق

برخی از ویژگی های جمعیت آماری به قرار زیر بوده است:

* دامنه سنی در گروه نمونه، بین ۱۸-۵۸ می باشد. میانگین سن پاسخگویان ۳۵/۱۵ سال، انحراف معیار آن ۹/۱۳۰ و

جدول ۱- ضریب همبستگی پیرسون متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
احساس مسئولیت	۰/۳۹۶	۰/۰۱
اخلاق زیست محیطی	۰/۲۱۷	۰/۰۱
ارزش های دینی	۰/۲۸۰	۰/۰۱

نتیجه گیری و پیشنهادات

مشکلات گسترده و روز افزون محیط زیست، ساماندهی محیط زیست را با چالش های بسیاری مواجه ساخته است. در این میان گام اول، همانا تغییری است که در درک ما از محیط طبیعی و نقش و مسئولیت ما نسبت به آن پدید آمده است. گام دوم این عرضه؛ زمانی برداشته می شود که ارزش های اخلاقی مربوط به محیط زیست، فراگیر و جهانی شود و از سوی

همه جوامع و مکاتب پذیرفته و رعایت شوند و گرنه پیامدهای اعمال ضد اخلاقی در مورد محیط زیست دامان همه انسان ها و جوامع را خواهد گرفت و پیامدهای خطرناک خود را متوجه همه انسان ها بلکه همه موجودات زنده خواهد ساخت. وظیفه اخلاق زیست محیطی، تعیین اصول و معیارهایی است که بر روابط انسان با طبیعت به منظور ممانعت از آسیب رساندن به طبیعت و حفاظت از آن، حاکم باشند. این اصول با ایجاد بازدارنده های درونی اخلاقی، به دنبال تصحیح رفتار نادرست

انسان با طبیعت هستند. دورکیم به ضرورت عمیق اصلاحات اجتماعی و اخلاقی عقیده داشت و معتقد بود که قواعد اخلاقی، تضادها و کنش‌ها را تخفیف دهد. یعنی با رواج اخلاق اجتماعی در بین افراد یک جامعه می‌توان تضادها را در رفتارهای افراد کاهش داد. تا زمانی که اخلاق اجتماعی در یک جامعه طور مناسب رواج نداشته باشد و تا زمانی که افراد به حقوق یکدیگر احترام نگذارند و خودخواهی را سرلوحه رفتارهای خویش قرار دهند نمی‌توان انتظار داشت.

اخلاق اسلامی، محیط زیست را دارای حیات و ارزش ذاتی می‌داند. از این رو قواعدی را درباره نحوه برخورد با محیط زیست تأسیس کرده و انسان را در برابر آن مسئول دانسته و توصیه می‌کند که انسان با محیط زیست برخورد مسئولانه داشته باشد و ارزش ذاتی آن را به رسمیت بشناسد. از طرف دیگر، خودشناسی، تلاشی برای ارائه رهیافتی خدامحور در اخلاق زیست محیطی است که با الهام از انسان شناسی اسلام و با تأکید بر بعد روحانی نفس انسان، تعامل مناسب انسان و محیط زیست را بر مبنای خودشناسی و دیانت نفس بنا می‌نهد و با توجه به ویژگی‌های این رهیافت، می‌توان آن را پاسخگوی نیاز انسان امروز در تعامل با طبیعت یعنی، ایجاد حس یگانگی با تمامی مخلوقات خداوند دانست. از نظر گیدنز، پررنگ کردن روش‌ها و سفارشات دینی همچنین راه‌های سنتی و قدیمی در مورد حفاظت از محیط زیست می‌تواند تأثیر بسزایی در حفظ و حراست و پایداری آن داشته باشد و رفتارهای زیست محیطی مناسبی را در پی داشته باشد و این مسأله در جامعه ما مطمئناً مؤثرتر و مهمتر است و همچنین نشان دهنده آن است که گرچه جامعه ما نیز همراه با جامعه جهانی با تغییرات و پیشرفت تکنولوژی فناوری و اطلاعات روبرو است اما با تأملی در رفتار و اعمال آنها به وضوح می‌توان دید که افکار و عقاید مردم جامعه ما ریشه دینی دارد که تعیین کننده اعمال و رفتار آنهاست و در نهایت این امر در جامعه اسلامی ما برجسته‌تر است و به عنوان یک عامل محوری نیز از آن می‌توان یاد کرد. با توجه به ساختار وجودی انسان طرح مباحث مربوط به اخلاق محیط زیست یک

ضرورت فراملیتی و جهانی است؛ خوشبختانه مطالعات اخلاق زیستی به صورت علمی آغاز شده است اگرچه در ابتدای راه است ولی می‌توان به آینده‌ای درخشان در این حوزه چشم دوخت. در این میان آنچه نباید مورد غفلت قرار بگیرد مبانی استوار معرفتی و آموزه‌های روشنی است که ظرفیت گسترده‌ای در جوامع مختلف در اختیار بشریت قرار می‌دهد.

از این رو، پیشنهاد می‌شود، برای پژوهش پیرامون اخلاق محیط زیستی بیش از هر چیز، به شناخت انسان و پرداختن به باورها و ارزش‌های اخلاقی در زمینه خاص فرهنگی جوامع نیاز است. به همین دلیل، می‌باید علاوه بر شناخت ارزش‌ها و باورهای محیط‌زیستی سایر جوامع، با بهره‌گیری از منابع موجود در سنت و فرهنگ بومی خود، به تدوین و تبیین نظام نامه اخلاق محیط‌زیستی همت گماشت. در این راستا، باید توجه داشت که اخلاق محیط‌زیستی به دلیل تغییر در فناوری، اقتصاد، سیاست و همچنین وسعت، چندرشته‌ای و چندگانه بودن و برخورداری از ویژگی زیست منطقه‌گرایی، متحرک و پویا است و به همین دلیل، نیاز است تا پژوهش پیرامون اخلاق محیط‌زیستی با در نظر گرفتن سنت و شرایط فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی جامعه، به صورت مستمر و پیرارشته‌ای انجام شود و در انجام آن، حفظ هویت تاریخی و دینی به عنوان یک معیار مهم مدنظر قرار گیرد.

منابع

۱. صالحی، سپیده، (۱۳۸۵)، بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط زیست در شهر کرج پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران شمال.
 ۲. فرصت، محمد، (۱۳۸۴)، ارزشیابی آموزش زیست محیطی در نظام آموزش عالی کشور پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، رشته مدیریت محیط زیست.
3. Salehi, S, (2010), Pepole and the environment, amazon.

۴. عمیق، محسن، حسینی، فضل الله، (۱۳۸۵)، اخلاق زیست محیطی در اسلام، قم، نشر استاد مطهری.
۵. اصغری لقمجانی، صادق، (۱۳۷۸)، مبانی حفاظت محیط زیست در اسلام، نشر فرهنگ، اسلامی، تهران، چاپ اول.
۶. هرسینی، سارا، (۱۳۸۷)، نظریه های مهم راجع به اخلاق محیط زیست، کارشناس ارشد فلسفه غرب، روزنامه جوان.
۷. اژدری، افسون، (۱۳۸۲)، توسعه فرهنگی و محیط زیست، فصلنامه علمی سازمان حفاظت محیط زیست، شماره ۳۹، ۲۸-۲۷.
۸. [۱۰، ۲۹، ۳۳] سروستانی، احمد، شاه ولی، منصور، محقق داماد، مصطفی، (۱۳۸۶)، ماهیت و دیدگاه های اخلاق زیست محیطی با تأکید بر دیدگاه اسلامی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، شماره های ۱ و ۲، ۶۸، ۶۱-۶۰.
۹. حیدری، لیث، (۱۳۸۲)، تمدن غربی، تمدن اسلامی و غرب گرایی، ترجمه فضل الله حسینی، تهران، نشر شلاک.
10. Abaidoo, S. (1977), Human-Nature Interaction and the Modern Agricultural Regime: Agricultural Practices and Environmental Ethics. PhD Dissertation, Dept. of Sociology, University of Saskatchewan, Canada; 305 pp.
۱۱. سروستانی، احمد، شاه ولی، منصور، (۱۳۸۷)، ضرورت و ویژگی های پژوهش در اخلاق زیست محیطی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال سوم، شماره های ۳ و ۴، ۸۵.
۱۲. وهاب زاده، عبدالحسین، (۱۳۸۵)، شناخت محیط زیست، مشهد، نشر جهاد دانشگاهی.
۱۳. وهاب زاده، عبدالحسین، (۱۳۸۲)، اخلاق محیط زیست، مشهد، نشر جهاد دانشگاهی، ۶۲۸.
۱۴. فهیمی، عزیزالله، مشهدی، علی، (۱۳۸۸)، ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط زیست (از رویکردهای فلسفی تا راهبردهای حقوقی)، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه قم، سال یازدهم، شماره اول، ۱۹۷.
۱۵. بری، جان، (۱۳۸۰)، محیط زیست و نظریه اجتماعی، ترجمه حسن پویان و نیره توکلی، سازمان حفاظت محیط زیست، جلد اول، ۳۰۳.
۱۶. بنون، جان، (۱۳۸۲)، اخلاق محیط زیست: مقدمات و مقالات، ترجمه: عبدالحسین وهاب زاده، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۲۶۷.
۱۷. [۱۸، ۲۱، ۲۶] حسینی، سادات، (۱۳۸۷)، اخلاق زیست محیطی، کارشناسی ارشد فلسفه غرب، روزنامه جوان.
۱۸. لویی، پویمان، (۱۳۸۴)، اخلاق زیست محیطی، ترجمه گروه مترجمان، نشر توسعه، جلد اول، تهران.
۱۹. سراج الدین، اسماعیل، پارت ریچارد، (۱۳۷۹)، اخلاقیات و ارزشهای معنوی در خدمت ارتقای توسعه پایدار براساس محیط زیست، ترجمه احمد رضا اشرف العقلایی، تهران، نشر حفاظت محیط زیست، ۸۱.
۲۰. [۲۱، ۲۷] رحمتی، انشاء الله، (۱۳۸۷)، دین، اخلاق و محیط زیست، ماهنامه پژوهشی اطلاعات حکمت و معرفت، سال سوم، شماره ۵، ۳.
۲۱. پویمان، لویی. پ، (۱۳۸۴)، اخلاق زیست محیطی، ترجمه گروه مترجمان، نشر توسعه، جلد اول، تهران، چاپ اول، ۱۸۵.
۲۲. بودن، ریمون، (۱۳۸۵)، فرهنگ انتقادی جامعه شناسی، ترجمه عبدالحسین نیک گوهر، انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ اول، ۳۸۵.
۲۳. صالحی، امیری، رضا، (۱۳۸۶)، مفاهیم و نظریه های فرهنگی، نشر ققنوس، ۱۰۰-۹۵.
۲۴. آرون، ریمون، (۱۳۷۷)، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ چهارم، ۴.
۲۵. محقق داماد، مصطفی، (۱۳۸۰)، الهیات محیط زیست، نامه فرهنگستان علوم، سال ۶، شماره ۱۷، ۳۰-۷.
۲۶. تالیافرو، چارلز، (۱۳۸۲)، فلسفه دین در قرن بیستم، ترجمه انشاء الله رحمتی، نشر سهروردی، ۳۷۳.

۲۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۳)، فلسفه اخلاق، تهران، انتشارات صدرا، ۲۵۴.
۲۸. ارفع، کاظم، (۱۳۶۲)، اصلاح نفس، تهران، انتشارات پنگوئن، ۱۰۲.